

# تأثیر اوضاع سیاسی بر سینمای ایران (۱۳۴۲-۱۳۵۷)



سیداحمد حسینی\*

## چکیده

جریان غالب سینمای ایران در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، تولید و نمایش فیلمفارسی<sup>۱</sup> بود. فیلمفارسی ویژگی‌ها و مختصات خاص خود را داشت و هدف اصلی آن ایجاد سرگرمی، جذب مخاطب و در نهایت بازگشت سرمایه برای فیلم ساز بود. مؤلفه‌های خاص و ثابتی وجود داشت که یک فیلم می‌توانست به فروش بالایی دست یابد. اما در دهه ی چهل، این روند اندکی تغییر یافت. در سال‌های ۴۳ و ۴۴ دو فیلم شب قوزی<sup>۲</sup> و خشت و آئینه<sup>۳</sup> رویکرد اجتماعی داشتند و به ترسیم واقعیات جامعه ی ایران پرداختند. در سال ۱۳۴۸، دو فیلم قیصر<sup>۴</sup> و گاو<sup>۵</sup> به نمایش درآمد و موج نو سینمای ایران شکل گرفت. جریانی که روی کرد متفاوتی از فیلمفارسی را دنبال می‌کرد و هدف دیگری را در سر داشت. این جریان با فیلم‌های دیگری مانند اسرار گنج دره<sup>۶</sup> جنی<sup>۷</sup>، تنگسیر<sup>۸</sup> آرامش در حضور دیگران<sup>۹</sup>، هالو<sup>۱۰</sup>، دایره<sup>۱۱</sup> و ... ادامه یافت که بسیار تأثیرگذار بود. اما این موج نو، متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران بود. قیام پانزده خرداد ۴۲، ترور حسنعلی منصور، ترور برخی مستشاران نظامی آمریکا، افزایش شکاف میان مردم و حاکمیت، جشن‌های دوهزار و پانصد ساله و ... اتفاقاتی نبود که بتوان از کنار آن بی‌توجه عبور کرد. بی‌شک این رویدادها تأثیر خود را بر سینمای ایران گذاشتند اما در این دو دهه سینما نتوانست بر جامعه ی ایران تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: سینمای ایران ۴۲-۵۷، تحولات سیاسی و اجتماعی، فیلمفارسی، موج نو.

## \* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ

- ۱- اصطلاحی که دکتر هوشنگ کاوسی، منتقد سینما، به همین صورت (پیوسته نویسی) برای فیلم‌های مبتذل ایرانی به کار می‌برد.
- ۲- به کارگردانی فرخ غفاری، ۱۳۴۳
- ۳- به کارگردانی ابراهیم گلستان، ۱۳۴۴
- ۴- به کارگردانی مسعود کیمیایی، ۱۳۴۸
- ۵- به کارگردانی داریوش مهرجویی، ۱۳۴۸
- ۶- به کارگردانی ابراهیم گلستان، ۱۳۵۳
- ۷- به کارگردانی امیر نادری، ۱۳۵۲
- ۸- به کارگردانی ناصر تقوایی، ۱۳۵۲
- ۹- به کارگردانی داریوش مهرجویی
- ۱۰- به کارگردانی داریوش مهرجویی

## مقدمه

فیلمفارسی در دهه‌ی چهل و پنجاه شمسی، عامه‌ی مردم را برای تماشای فیلم به سالن سینماها می‌کشاند. عامه‌ی مردم آن‌چه را که در زندگی روزمره برای آن‌ها دست نیافتنی بود، بر پرده‌ی سینما مشاهده می‌کردند و از آن لذت می‌بردند. البته باید اذعان کرد که اقشار مذهبی از مشاهده فیلم در سینما پرهیز می‌کردند. با این حال سینما رونقی خاص داشت در حالی که این سینما با به تصویر کشیدن آرزوهای مردم (ثروت و رفاه، روابط عاشقانه، معشوق زیبا و...) اذهان آن‌ها را از واقعیات سیاسی و اجتماعی دور می‌ساخت و به این ترتیب تأثیرگذاری خود را از دست داد. نظام دیکتاتوری در این خصوص، تأثیر بسیاری داشت، با این حال تلاش گسترده در حوزه‌ی فیلم‌سازی با هدف بازگشت سرمایه انجام می‌شد. به طور خاص از سال ۱۳۴۸ این روند اندکی تغییر یافت و فیلم‌های خوبی ساخته شد که در آن‌ها قهرمان داستان به دنبال ثروت، معشوق، ازدواج و ... نبود، بلکه در برابر برخی بی‌عدالتی‌ها، فسادها و ظلم و جور می‌ایستاد و صدای اعتراض و طغیان خود را به گوش می‌رساند. قیصر (۱۳۴۸)، گوزن‌ها (۱۳۵۴) و سفر سنگ (۱۳۵۷) هر سه از مسعود کیمیایی چنین مشخصه‌هایی داشتند. در فیلم اول، مسئله‌ای ناموسی باعث می‌شود که شخصیت اصلی فیلم (قیصر) تصمیم به انتقام بگیرد. در گوزن‌ها قهرمان اصلی یک چریک روشن فکر است که به همراه دوستش در برابر ظلم و ستم می‌ایستند. این دو فیلم در فضای شهری ساخته شدند اما در فیلم سوم، تعداد اندکی از مردم یک روستا، در برابر ظلم و جور ارباب قیام می‌کنند و بقیه‌ی اهالی روستا نیز در انتهای فیلم با آن‌ها همراه می‌شوند و خانه‌ی ارباب را نابود می‌کنند. در این فیلم، مذهب عامل اصلی حرکت مردم برای مقاومت و ایستادگی در برابر ارباب است در حالی که در گوزن‌ها همان‌طور که بیان شد، قهرمان فیلم (با بازی فرامرز قریبیان) یک چریک روشن فکر است که مذهب چندان نقشی در تفکر و عملکرد او نداشت. بلکه این آگاهی و تفکر اوست که در مبارزه و عملکرد او تأثیر دارد. بررسی این سه فیلم به عنوان نمونه، نشان می‌دهد که سینمای ایران متأثر از تحولات سیاسی بود، ولی این توانایی را نداشت که در حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی تحول مثبتی در جامعه‌ی ایران به وجود آورد.

## سینمای ایران در دو دهه‌ی ۴۰ و ۵۰

## الف- بررسی وضعیت سینمای ایران از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش

سال ۱۳۴۲ش از لحاظ سیاسی آغازی برای یک تحول مهم محسوب می‌شد که پانزده سال بعد به بار نشست. تضاد میان حکومت و مردم در این سال، شکل و صبغه‌ی خاصی به خود گرفت. پهلوی دوم به دنبال آن بود تا ایران را با بودجه‌ی حاصل از فروش نفت به سمت نوسازی فاقد نوگرایی سوق دهد و در این راه تلاش کرد به تنهایی اقدام کند و با توجه به تجربه‌ی گذشته‌ی خود، از این که نخست‌وزیری مستقل به این اقدامات جامه‌ی عمل بپوشاند پرهیز کرد. در اواخر دهه‌ی سی، از طرف آمریکا به او فشار آمد تا یک سری اصلاحات را در راستای این که جامعه به دام کمونیست نیفتد، انجام دهد ولی اقدامات او،

مخالفت امام خمینی (ره) را در برداشت، جریان‌ی که سرآغاز نهضت اسلامی محسوب شد. با این همه، سینمای ایران گویی در بستر دیگری شکل گرفت و از تأثیرپذیری این تحولات بسیار دور بود. جریان غالب سینمای ایران، تولید فیلمفارسی بود. اما زمینه‌سازی برای شکل‌گیری سینمای موج نو، از سال ۱۳۴۳ش و با فیلم شب قوزی آغاز شد.

در سال ۱۳۴۳ش سینمای ایران هم‌چنان سرشار از فیلم‌های بی‌مایه و عوام‌فریبانه بود و به لحاظ کیفی گامی به جلو برداشته نشد. تنها نقطه‌ی روشن این سال فیلم شب قوزی ساخته‌ی فرخ غفاری بود. غفاری پس از دو فیلم جنوب شهر و عروس کدومه؟ تصمیم به ساخت این فیلم گرفت. از لحاظ مالی در هر دو کار قبلی‌اش، شکست خورده بود. با این که چنین فیلمی از نظر مالی، به سرنوشت دو فیلم قبلی غفاری دچار شد اما توانست روندی متفاوت از سینمای فیلمفارسی برای سینمای ایران رقم بزند. شب قوزی از بازی خوب محمدعلی کشاورز، پری صابری و خسرو سهامی بهره برد ولی چندان مورد استقبال عامه‌ی مردم و منتقدان قرار نگرفت.<sup>۱۱</sup> اما یکی از منتقدان با دیدن این فیلم، ندای آغاز سینمای ایران را به همگان اعلام نمود.<sup>۱۲</sup>

در سال ۱۳۴۴ش چهل‌وسه فیلم به نمایش درآمد که اکثریت آن فیلم‌ها، مربوط به جریان غالب سینمای ایران بود. اکثر کارگردان‌هایی که به این نوع سینما رونق می‌دادند در این سال آثار خود را ارائه دادند. یاسمی، کوشان، صفایی، پورسعید و ... اما برای این نوع سینما، یک اثر برجسته‌تر از دیگران می‌نمود و آن، گنج قارون سیامک یاسمی بود که استقبال فراوانی از آن شد.<sup>۱۳</sup> ساختار فیلم‌نامه که خود یاسمی آن را



نوشته بود، از فیلم‌های آمریکایی اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰/دهه‌های ۱۳۱۰ش. و ۱۳۲۰ش. الهام گرفته بود.<sup>۱۴</sup>

گنج قارون در نمایش نخست‌اش مجموعاً ۳۴۵ روز (شصت و سه روز در هر یک از سینماهای انیورسال، ایران، میامی، تهران، سیلوانا و سی روز نیز در سینما آستارا) روی پرده بود. بیش از هشتصد و هفتاد هزار نفر از جمعیت یک میلیون و اندی تهران از فیلم دیدار کردند.<sup>۱۵</sup> مضمون این فیلم به این شکل بود که: جوانی، مرد ثروتمندی به نام قارون را که از روی یأس قصد خودکشی داشت، نجات می‌دهد و در خانه‌ی خود از او نگهداری می‌کند و بعد به وسیله‌ی مادر خود در می‌یابد که قارون پدرش است که سال‌ها قبل به خاطر هوس بازی‌هایش، او و مادرش را رها کرده

۱۱ - امید، جمال. ۱۳۷۷. تاریخ سینمای ایران. تهران: روزنه. صص ۳۷۰-۳۶۸.

۱۲ - مهربایی، مسعود. ۱۳۸۸. تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷. تهران: فیلم. ص ۱۰۹.

۱۳ - صدر، حمیدرضا. ۱۳۸۱. تاریخ سیاسی سینمای ایران. تهران: نس، ص ۱۴. و نیز رک: مهربایی، همان. ص ۱۱۱.

۱۴ - چلکوفسکی، پتر. ۱۳۸۸. تفریحات عمومی، رسانه‌ها، تغییر اجتماعی در ایران قرن بیستم؛ تاریخ ایران از رضاشاه تا انقلاب اسلامی (جلد هفتم). ترجمه‌ی مرتضی نایب‌نسر. تهران: جامی. ص ۳۸۵.

۱۵ - امید. ۱۳۷۷. همان. ص ۳۷۴.

است. پسر، پدر را از خود می‌راند، قارون که وارثی ندارد ضمن این که از گذشته‌ی خود نادم است به دفعات سعی می‌کند که دل پسرش را به دست آورد و سرانجام نیز موفق می‌شود.<sup>۱۶</sup> این نوع سبک فیلم سازی در سال‌های بعد، مخاطبین بسیاری پیدا کرد و به عنوان مکتب قارون‌نیم شناخته شد.<sup>۱۷</sup> «علی بی‌غم (فردین) در گنج قارون پر فروش‌ترین کالای عصر خود شد. سینمای وامانده در یافتن ستاره‌ای درخور تماشاگران، علی بی‌غم را با فردین و در فردین یافت.»<sup>۱۸</sup> اما در حوزه‌ی سینمای رئالیستی در این سال یک فیلم مهم با عنوان خشت و آئینه، ساخته‌ی ابراهیم گلستان روی پرده رفت. گلستان در عرصه‌ی مستندسازی، فعالیت چشمگیری داشت که مورد توجه جدی قرار گرفته بود و از جشنواره‌های خارجی هم جوایزی را دریافت کرده بود، اما در این سال، کار خود را با یک فیلم بلند داستانی آغاز کرد. ابراهیم گلستان آشنایی بسیار خوبی با ادبیات داشت و از طرف دیگر، برای ساخت این کار، به سراغ بازیگران تئاتر رفت و از جمع آن‌ها کسانی مانند محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی، پرویز فنی‌زاده و ... دیگران را برای این فیلم انتخاب کرد. یکی از مسافران در تاکسی، کودکی را جا می‌گذارد و هاشم (راننده‌ی تاکسی) تلاش می‌کند تا مادر کودک را پیدا کند ولی موفق نمی‌شود. دختری که رفیقه‌ی راننده تاکسی به حساب می‌آید بسیار به کودک علاقمند است و دوست دارد که این کودک را پیش خودش و هاشم نگه دارد ولی هاشم این را نمی‌پذیرد و کودک را به پرورشگاه تحویل می‌دهند.<sup>۱۸</sup> موضوع داستان، کاملاً با اغلب فیلم‌های آن زمان متفاوت بود، فیلم قهرمانی نداشت تا سرانجام داستان را نیک فرجام کند بلکه از واقعیتی مهم پرده برداشت.

در سال ۱۳۴۸ ش پنجاه و دو فیلم به نمایش درآمد اما هیچ کدام آن‌ها مانند قیصر و گاو سر و صدا به راه نینداختند. مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی هر دو در این سال دومین کار خود را ارائه دادند و به این ترتیب زمینه‌ساز تحول در سینمای ایران شدند.<sup>۲۰</sup> قیصر، محصول آریانا فیلم بود و فیلم‌نامه‌ی آن توسط کیمیایی نوشته شد و اسفندیار منفردزاده موسیقی متن آن را ساخته بود. قیصر (بهرروز و ثوقی)، نام قهرمان داستان است. در مدت نبودن او در کنار خانواده‌اش، به خواهرش تجاوز شده و به همین علت خودکشی کرده است. برادر بزرگترش که فرمان (ناصر ملک مطیعی) نام دارد و در گذشته لوطی سرشناسی بوده و توبه کرده است، حال به فکر انتقام افتاده، ولی توسط برادران آق‌منگل به قتل رسیده است. قیصر به نزد خانواده‌اش بازگشته و در جریان ماجرا قرار می‌گیرد، وی به نصیحت‌های مادر و دایی خودش گوش نمی‌دهد و راه چاره را در انتقام می‌بیند و این کار را انجام می‌دهد و خودش توسط نیروهای پلیس، کشته می‌شود.

مضمون اصلی فیلم، احیاء ارزش‌های اخلاقی جامعه بود. یک فرد برای زنده کردن آن ارزش‌های اخلاقی که در جامعه‌ی سنتی ایران بسیار مورد احترام بود به پا می‌خیزد. قیصر فقط یک راه را برای این کار می‌یابد و آن هم انتقام است و ترجیح می‌دهد که روال قانونی را پیگیری نکند، چرا که به قانون اطمینان ندارد. وی می‌خواهد در اجتماعی که خود را در آن تنها می‌بیند، بار وظایف دزد، پلیس، قاضی و جلاد را یک تنه بر عهده بگیرد و زیر سنگینی این بار است که از پا در می‌آید.<sup>۲۱</sup>

۱۶ - امید. جمال. ۱۳۸۹. فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران (جلد اول). تهران: نگاه. ص ۱۵۵.

۱۷ - مهرایی. همان. ص ۱۱۱.

۱۸ - صدر. همان. ص ۱۸۴.

۱۹ - امید. ۱۳۸۹. همان. ص ۱۵۹.

۲۰ - مهرایی. همان. ص ۱۲۶.  
: نیز رک: فغفوری، گیسو. ۱۳۹۱. سرگذشت سینما در ایران. تهران: افق. ص ۴۴؛ نیز رک: چلکوفسکی. همان. ص ۳۹۱؛ نیز رک: صدر. همان. ص ۱۹۴.

۲۱ - امید. ۱۳۷۷. ص ۵۳۱.

فیلم مهم دیگر سال ۱۳۴۸ش گاو بود که نقطه‌ی عطفی در تاریخ سینمای ایران به حساب می‌آید.<sup>۲۲</sup> در مجموعه‌ی داستان عزاداران بیل نوشته‌ی غلامحسین ساعدی، داستانی با عنوان گاو وجود داشت که توسط ساعدی و مهرجویی به فیلم‌نامه تبدیل و شرایط برای ساخت فیلم آن مهیا شد. داستان این فیلم در یک دهکده‌ی دور افتاده‌ی فقیرنشین اتفاق می‌افتد که آدمهایش از دست رفته، گرسنه و تنبل‌اند. آنها فقط چشم به گاو مش حسن نامی دوخته‌اند که حالا آبستن است، و این می‌تواند نقطه‌ی امید و اتکائی باشد برای این آدم‌ها، که شاید دهکده در آینده از برکتی برخوردار شود. اما در زمانی که مش حسن در خانه‌اش حضور ندارد این گاو می‌میرد و اهالی روستا تلاش می‌کنند تا به او دروغ بگویند؛ چرا که از میزان محبت و علاقه‌ی وی به گاو باخبرند. اما این راز آشکار می‌شود و مش حسن که تاب تحمل چنین واقعه‌ای را ندارد، دگرگونی ذهنی پیدا می‌کند و خود را گاو می‌پندارد. تلاش‌های مردم روستا برای بهبودی وی به سرانجام نرسید تا این که با پیشنهاد مش اسلام (علی نصیریان) قرار می‌شود، وی را برای معالجه به شهر ببرند، و این امر میسر نمی‌شود و در بین راه مش حسن به دره‌ای سقوط می‌کند و می‌میرد. جالب است که حتی تلاش‌های مذهبی برای شفایافتن مش حسن در روستا، نتیجه‌ای را در بر نداشت.

این فیلم که محصول وزارت فرهنگ و هنر بود در جشنواره و نیز و شیکاگو (۱۹۷۱م) جوایز مهمی را دریافت کرد.<sup>۲۳</sup> این فیلم نسبت به فیلم قیصر از چند جهت برتری داشت که بسیار قابل توجه است. از لحاظ محتوا و معنا، در عین سادگی، پیچیدگی‌های روح و روان انسان را به خوبی به نمایش گذاشت و یکی از علت‌های مهم این موضوع، پیوند درستی بود که در این فیلم میان ادبیات و سینما شکل گرفته بود.

### ب- سینمای ایران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش

از سال ۱۳۵۱ش که در حدود نود فیلم به نمایش درآمد، تا سال ۱۳۵۷ش از لحاظ تعداد فیلم،



کاهش چشم‌گیری به وجود آمد. سال ۱۳۵۲ش هشتاد و دو فیلم به روی پرده رفت که کیفیت بعضی از فیلم‌ها بسیار در خور توجه بود و بعضی از فیلم‌ها قالب عصیان داشتند. خاک، تنگنا، تنگسیر، آرامش در حضور دیگران و مغول‌ها از فیلم‌های خوب این سال بودند. امیر نادری و ناصر تقوایی هر کدام دو فیلم را روانه‌ی سینما کردند، تنگنا و تنگسیر، ساخته‌ی امیر نادری و آرامش در حضور دیگران به اضافه‌ی نفرین، از آثار ناصر تقوایی در این سال بود. خاک هم از کارهای مسعود کیمیایی بود، که پس از صمد به مدرسه می‌رود اثر پرویز صیاد، دومین فیلم پرفروش این سال به حساب می‌آمد. خاک، در حدود بیست

۲۲ - مهرابی، همان، ص ۱۲۹.

۲۳ - مهرابی، همان، ص ۱۳۰.

میلیون ریال، فروش کرد و تا حدودی نشان داد که ذائقه‌ی تماشاچی در خصوص فیلم دیدن، کمی متفاوت شده است. در طی سال‌های ۱۳۵۲ش تا ۱۳۵۷ش کارهای پرویز صیاد، جزو پرفروش‌ترین کارهای سینمای ایران محسوب می‌شد.

تنگنا و آرامش در حضور دیگران، هر دو موضوعات اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند. آرامش در حضور دیگران، که چهل دقیقه از آن زیر تیغ سانسور رفت، حکایت از روابط و مناسبات جدید اجتماعی و تأثیر فرهنگ مبتدل غرب، که به شکلی عامیانه مورد تقلید طبقه‌ی متوسط جامعه قرار می‌گرفت، پرداخت. خاک و تنگسیر جزو فیلم‌های سیاسی این سال به حساب می‌آمدند. خاک به رابطه‌ی میان ارباب و رعیت می‌پرداخت که پس از مرگ ارباب، زن خارجی وی، جانشینش برای اداره‌ی املاک شده و رعیت خود (صالح) را از ملک بیرون می‌کند. در کشاکش این شرایط، برادر رعیت توسط یکی از زیردستان ارباب کشته می‌شود و این باعث می‌شود تا صالح از این فرد انتقام بگیرد، او این کار را می‌کند اما توسط ژاندارم‌ها دستگیر می‌شود. خاک، ششمین ساخته‌ی کی‌میاپی است که براساس داستان «اوسنه بابا سبحان» نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی به نگارش درآمده است و همان‌طور که بیان شد، این اثر یکی از فیلم‌های پرفروش آن سال بود.

تنگسیر، ساخته‌ی دیگر امیر نادری، فیلمی است که تماشاچی نمی‌تواند به آن بی‌اعتنا و بی‌توجه باشد. این فیلم در مورد زار ممد و ظلم و اجحافی است که در حق او روا شده و او به دنبال گرفتن حق خود است. اما چون راه به جایی نمی‌برد و خوار و خفیف می‌شود، به فکر انتقام می‌افتد. زار ممد می‌خواهد به ریشه‌ی ظلم و زورگوئی بزند. تحقق انتقام خونین زار ممد فقط با کمک مردم صورت می‌گیرد، از این جهت فیلم دو قهرمان دارد، یکی زار ممد و دیگری مردم. بهروز وثوقی، نقش زار ممد را در این فیلم به خوبی ایفا کرد و موسیقی خوب فیلم نیز ساخته‌ی لوریس چکنواویان بود.<sup>۲۴</sup>

سال ۱۳۵۳ش شصت فیلم به نمایش در آمد. بهترین فیلم‌های این سال، که جزو آثار برجسته‌ی سینمای سیاسی ایران به حساب می‌آیند، اسرارگنج درّه‌ی جنّی از ابراهیم گلستان و شازده احتجاب بهمن فرمان‌آرا هستند. هر دوی این آثار، از کارهای شاخص سینمای ایران به حساب می‌آیند که اولی پس از مدت اندکی، توقیف شد و دیگر به روی پرده نرفت. فیلم گلستان دومین اثر بلند سینمایی وی، مربوط به مردی روستایی است که به شکل اتفاقی در زمین خود گنجی می‌یابد و با استفاده از آن، زندگی خود را تغییر می‌دهد. شاید در ابتدا این گونه به نظر برسد که با توجه به نام فیلم، این اثر هم مانند فیلم گنج قارون باشد و به این ترتیب مهبای نمایش شده اما به شکل کاملاً کنایه‌آمیز شرایط سیاسی را مورد توجه قرار داده و به تصویر کشیده بود. فیلم گلستان رابطه‌ی شاه ایران و نفت را به یک روستایی عادی و پیدا کردن گنج تشبیه کرده و نشان داده که این روستایی چگونه زندگی‌اش دچار تغییر و دگرگونی می‌شود.<sup>۲۵</sup> او با دختری ازدواج می‌کند و دست به ولخرجی و اسراف می‌زند بدون آن که کمکی به روستای خود و مردم آن بکند.

ابراهیم گلستان در گفت و گویی با پرویز جاهد اذعان می‌کند که به دنبال نشان دادن اوضاع وحشتناک، دزدی و فساد دستگاه حکومت بوده است،<sup>۲۶</sup> این در حالی بود که پهلوی دوم به

۲۴ - امید، ۱۳۷۷، ص ۶۷۷.

۲۵ - میلانی، عباس، ۱۳۸۶. معمای هویدا. تهران: اختران. ص ۳۴۱.

۲۶ - جاهد، پرویز، ۱۳۸۴. نوشتن با دوربین: رو در رو با ابراهیم گلستان. تهران: اختران. صص ۶۹-۷۰.

پشتوانه‌ی قدرت نظامی در منطقه، از دیدگاه خودش، کشوری باثبات را شکل داده که آن را از چهارراه حوادث به سمت تمدن بزرگ سوق داده بود.

شازده احتجاج با بازی جمشید مشایخی و فخری خوروش، مربوط به روزهای پایانی یکی از شاهزادگان قجری است که به ترسیم زندگی پدر بزرگ، پدر و خسروخان (شازده) می‌پردازد و از جنایت‌های آن‌ها پرده بر می‌دارد.

سال ۱۳۵۴ش گوزن‌ها ساخته‌ی مسعود کیمیایی یکی از فیلم‌های مطرح سال بود. فرامرز قریبان و بهروز وثوقی نقش‌های اصلی این فیلم را برعهده داشتند. گوزن‌ها برخورد یک چریک روشن فکر (فرامرز قریبان) با دوست قدیمی‌اش، سید (بهروز وثوقی) است که به مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ستمی که به طبقه‌ی فرودست جامعه می‌رود تأکید می‌کند و به پاخاستن در برابر ستم را به تصویر می‌کشد. فردی مانند سید که اعتیاد دارد و به خواب



رفته است نشان از جامعه‌ی خواب‌زده‌ی ایران است که افراد جامعه، به ظلم و ستم‌هایی که به طبقه‌ی مظلوم می‌شود مانند چشم‌اندازی که به طبیعت دارند نگاهی بی‌تفاوت دارند. در این میان چریک روشن فکر، فردی مانند سید را از خواب غفلت بیدار می‌کند، هر چند که با سانسور این فیلم، نقش چریک روشن فکر، به یک دزد و سارق تبدیل شد.<sup>۲۷</sup>

در سال‌های ۱۳۵۵ش و ۱۳۵۶ش مجموعاً صد فیلم به نمایش درآمد. با این همه، سینمای ایران حال و روز خوشایندی نداشت و از نظر مالی، شرایط برای فیلم‌سازان تغییر کرده بود.

سال ۱۳۵۷ش با توجه به شرایط مالی سینما و اوضاع سیاسی کشور، هفده فیلم به نمایش درآمد که از لحاظ

آماره‌ی، تعداد ساخت فیلم کاهش محسوس و قابل توجهی داشت اما از لحاظ آرایه‌ی کارهای باکیفیت، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد. از فیلم‌های مهم این سال، باید به سفر سنگ کیمیایی، دایره‌ی مینا ساخته‌ی مهرجویی، گزارش کیارستمی، مرثیه‌ی نادری و کلاغ بیضایی اشاره کرد.

در سفر سنگ، یکی دیگر از فیلم‌های مهم کیمیایی، نقش مذهب پررنگ‌تر است. ارباب روستا که در خانه‌ی سفید زندگی می‌کرد مانع درست کردن آسیاب برای اهالی می‌شد تا آن‌ها از آسیاب او آرد خریداری کنند و از این طریق، وی به راحتی بتواند اهالی را استثمار کند. افرادی که تلاش می‌کنند تا علیه ارباب بایستند یک بیابانی، آهنگر و سیدیاور هستند که قدم‌های اصلی را برای ایستادن در برابر ارباب بر می‌دارند. زمانی که این سنگ به نزدیکی آبادی می‌رسد تحول و

۲۷ - امید. ۱۳۷۷. همان. ص ۶۹۶.

دگرگونی، در دیگر افراد روستا به خوبی مشخص است. مردم روستا تصمیم می‌گیرند تا از زیر بار ظلم و ستم ارباب خارج شوند. سنگ آسیابی که این گروه با خود می‌آورند، سرانجام خانه ی ارباب را ویران می‌کند. از گفتگوهای این فیلم، به خوبی می‌توان به اندیشه و محتوای فیلم پی برد. در یکی از مهم‌ترین گفتگوها که میان ارباب و آهنگر رد و بدل می‌شود، ارباب تلاش می‌کند تا ابتدا با تهدید آن‌ها را از آوردن سنگ و ساختن آسیاب، منصرف کند.

او خطاب به آهنگر می‌گوید: «سر تو، سر نیزه می‌کنم.»

آهنگر: «خوشا به حال کسی که سرش به سر نیزه بره.»

توجه به گفتگوهای بیابانی که نقش آن را سعید راد بازی می‌کند و به شکل اتفاقی در جریان ماجرا قرار گرفته و می‌خواهد یاری کند تا مردم روستا در برابر زور و ظلم ارباب بایستند، در شناخت بهتر فیلم کمک می‌کند. او چندین بار تأکید می‌کند که قرآن روی بازویش معنی دارد و یا این که حسین بن علی جانش را داد و حریف ناحق شد.

### نتیجه‌گیری

باید اذعان کرد که جریان مسلط در سینمای ایران طی سال‌های ۴۲ تا ۵۷، فیلمفارسی بود. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این خصوص باعث عدم شکل‌گیری سینمای سیاسی در ایران شد، حاکمیت دیکتاتوری در ایران بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که محمدرضا پهلوی برای بار دوم بر اریکه قدرت نشست، شرایط خفقان بر جامعه‌ی ایران حکم فرما شد و این مسئله مانع از این می‌شد تا یک فیلم ساز واقعیت زندگی اجتماعی مردم را به تصویر بکشد.

با وجود شرایط حاکم بر جامعه‌ی ایران، در سال‌های ۴۳ و ۴۴ افرادی همچون فرخ غفاری و ابراهیم گلستان تلاش خود را برای به تصویر کشیدن واقعیات جامعه، انجام دادند. دو فیلم متفاوت شب قوزی و خشت و آئینه حاصل این تلاش‌ها بود. داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی که با فیلم‌های اول خود، به جریان حاکم بر سینمای ایران پیوسته بودند، در سال ۱۳۴۸ش با ساخت فیلم‌هایی چون گاو و قیصر، حساب خود را از چنین سینمایی جدا کردند. از این سال به بعد، سینمای ایران در پرداختن به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت. برخی فیلم‌های سیاسی ساخته شد و در این نوع فیلم‌ها، وضعیت سیاسی کشور به نقد کشیده شد و برای مشاهده‌ی مردم، بر روی پرده‌ی سینماها به تصویر درآمد. یکی از این آثار مهم، فیلم ابراهیم گلستان با عنوان اسرارگنج دره‌ی جنی بود. در این خصوص، سینمای ایران، آثار دیگری چون گوزن‌ها، تنگسیر و سفرسنگ را نیز ارائه داد. این فیلم‌ها زمینه را برای شکل‌گیری سینمای سیاسی آماده ساختند. به طور کلی، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که فیلم‌های سیاسی در سینمای ایران ساخته شد ولی به واقع، ژانر (قالب) سینمای سیاسی در ایران شکل نگرفت و باید گفت که تداوم دیکتاتوری، یکی از علت‌های اصلی این موضوع بوده است. به عبارتی سینمای سیاسی و اجتماعی، نه تنها نتوانست خالق تحولات سیاسی و اجتماعی شود، بلکه به مخلوق بلا اراده‌ی همان تحولات سیاسی و اجتماعی تبدیل شد.